

تأثیر کارایی بر ساختار حقوق مالکیت فکری

طیبه صاحب*

دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۶/۶)

چکیده:

برغم انتخاب عنوان مالکیت بر نظام حمایتی ویژه حقوق مالکیت فکری، این نظام، تفاوت های ساختاری و ماهوی متعدد با قالب سنتی و شناخته شده حقوق مالکیت دارد. دلیل این تفاوت، عمدتاً ملاحظات اقتصادی متأثر از کارایی توصیفی و سعی در ایجاد تعادل و توازن میان کارایی ایستا و کارایی پویا در تولید و مصرف اطلاعات و دانش های نوین است. از یک سو بر مبنای ملاحظات مربوط به کارایی پویا و با هدف ایجاد انگیزه در افراد برای تولید و افشاء اطلاعات و دانش های نوین، حق انحصاری به خالقان این آثار اعطا می شود و از سوی دیگر، بر مبنای ملاحظات مربوط به کارایی ایستا و با هدف فراهم آوردن امکان دسترسی هر چه گسترده تر مصرف کنندگان به محصولات فکری تولید شده، محدودیت های متعددی بر این حق انحصاری از قبیل مدت زمان حمایت و گستره حمایت وارد شده است.

واژگان کلیدی:

کارایی فنی (توصیفی)، کارایی پویا، کارایی ایستا، تعادل، انگیزه، دسترسی، مدت زمان حمایت، گستره حمایت.

*Email: tayebhsaheb@gmail.com

مقدمه

کارایی از جمله مفاهیم میان رشته‌ای به شمار می‌رود که علاوه بر علم اقتصاد، در عرصه علم حقوق نیز جایگاهی ویژه برای خود یافته است (Shubik, 1978: 121-126). کارایی در علم اقتصاد به دو نوع کارایی توصیفی و کارایی هنجاری تقسیم می‌شود (Nari, 2007: 228). در عالم حقوق با استفاده از مفهوم کارایی توصیفی، وضعیت موجود نهاد های حقوقی و قواعد خاص آن توصیف و توجیه می‌شود. در مقابل از بعد هنجاری، تجویزهای لازم برای اعمال اصلاحات و تغییرهای لازم در نظام حقوقی موجود به عمل می‌آید (Ibid: 229). با توجه به گستردگی مباحث کارایی، آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته است ملاحظات ویژه کارایی توصیفی است که ساختار ویژه نظام حقوق مالکیت فکری را موجب شده است.

نوشته های اقتصادی و حقوقی که تا کنون در این باره نگارش شده‌اند به طور مستقل و به شکل جامع و مانع به تشریح نحوه تأثیرگذاری کارایی توصیفی در شکل دهی ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری نپرداخته‌اند و در خلال پرداختن به موضوعات دیگر، تنها اشاره‌ای گذار به این مطلب کرده‌اند. از این رو کوشش شده است در این مقاله تصویری کامل تر از نحوه تأثیر و تأثر کارایی توصیفی در شکل دهی ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری در اختیار خواننده قرار داده شود. علاوه بر این سعی شده است با عمیق شدن در برخی قواعد خاص حقوق مالکیت فکری از قبیل مدت زمان حمایت و همچنین گستره حمایت، تأثیر ویژه کارایی توصیفی در وضع قواعد خاص این نهاد حقوقی، به طور تفصیلی تر و جامع تر توضیح داده شود.

در تشریح موضوع مقاله ابتدا به تقسیم بندی کلی کارایی توصیفی به کارایی ایستا و پویا اشاره می‌شود؛ سپس نحوه درگیری و تعارض این دو قسم کارایی و راهکار ایجاد تعامل و سازگاری میان آنها شرح داده خواهد شد که موجب شکل گیری نظام حقوق مالکیت فکری شده است. در پایان به بررسی دو نمونه قواعد خاص این نظام حمایتی یعنی طول مدت حمایت و گستره حمایت می‌پردازیم و با توجه به داده های آماری و استدلال های اقتصادی، مطابقت این قواعد با استلزامات کارایی توصیفی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

الف. کارایی توصیفی: کارایی ایستا و کارایی پویا

با ارتباط کارایی توصیفی به تولید و مصرف دانش و اطلاعات به عنوان موضوع اصلی حقوق مالکیت فکری، اقتصاددانان اغلب این مفهوم را به دو دسته دیگر کارایی ایستا (Static Efficiency) و کارایی پویا (Dynamic Efficiency) تقسیم می‌کنند. کارایی پویا از بعد تولید کالا و

کارایی ایستا از بعد مصرف کالا به توصیف وضعیت موجود و چرایی آن می‌پردازد (Nari, 2007: 229).

الف. اختلال در کارایی پویا

تولید دانش و اطلاعات در ساختار بازار رقابتی که به عقیده اقتصاددانان کاراترین قالب بازار برای تولید کالاهاست (Cowen & Crampton, 2004) به دلایل مختلفی امکانپذیر نیست:

یک: اوصاف ذاتی اطلاعات

در اصطلاح علم اقتصاد، ایده‌های ابتکاری شبیه کالاهای عمومی هستند (2004: 157-159). به این معنا که افراد مختلف می‌توانند همزمان از آنها استفاده کنند بدون آنکه مزاحم استفاده یکدیگر شوند. از سوی دیگر؛ امکان استثنا کردن و بازداشتن اشخاص ثالث سودجو و یا به تعبیری دیگر سوارکاران مجانی (Free Riding) که حاضر به پرداخت قیمت و ما به ازای کالا نیستند امری سخت و دشوار است. از ویژگی اول به عنوان غیر رقابتی بودن (Nonrivalrous) و از ویژگی دوم با عنوان استثنا ناپذیر بودن (Nonexcludable) کالاهای عمومی یاد می‌شود (Dixon & Greenhalgh, 2002: 4).

به علت وجود سوارکاران مجانی، تولید کنندگان قادر به اختصاص همه منافع و عواید ناشی از تولید به نفع خود نیستند و همین امر موجب کاهش انگیزه آنان برای ادامه حضور در بازار و همچنین از بین بردن انگیزه سایر تولید کنندگان بالقوه برای ورود به بازار می‌شود. به دلیل مشکلاتی که سواری مجانی در اختصاص منافع و عواید ابداع فراهم می‌آورد از این مشکل در اصطلاح با عنوان مشکل قابلیت اختصاص (Appropriability problem) نیز یاد می‌شود.

دو: ساختار ویژه هزینه‌ای تولید اطلاعات

تولید نخستین نسخه از اطلاعات مستلزم سرمایه‌گذاری عمده در وقت و پول و سایر منابع است. هزینه تولید نخستین نسخه از اطلاعات، هزینه‌های ثابت تولید را تشکیل می‌دهد (Lemley, 2005: 29).

در مقابل پس از آن که اطلاعات و دانش جدید خلق و تولید شدند؛ تولید مجدد و تکثیر نفس اطلاعات هزینه‌ای بسیار پایین دارد (Lands & Posner, 2003: 24; Litman, 1990: 5).

به دلیل پایین بودن هزینه‌های نهایی تولید مجدد اطلاعات، هزینه مهندسی معکوس اطلاعات پایین است؛ در نتیجه اغلب افراد وسوسه می‌شوند به سواری مجانی یا سواری با کمترین هزینه از زحمت و تلاش دیگران بپردازند. در این شرایط، چنانچه قیمت محصولات اطلاعاتی در

بازار، طبق قاعده قیمت گذاری نهایی که از نظر اقتصادی کارآمدترین نوع قیمت گذاری در بازار رقابتی است، معادل هزینه نهایی تولید اطلاعات تعیین شود، قیمت مزبور تکافوی پوشش هزینه‌های متوسط تولید را نمی‌کند و در نتیجه در بلند مدت بنگاه ناگزیر از ترک بازار است. این در حالی است که اجرای این قاعده برای سوارکاران مجانی، به دلیل اینکه متحمل هزینه‌های ثابت تولید اولیه نشده‌اند، مشکل جدی را پدید نمی‌آورد.

سه: آثار جانبی مثبت تولید اطلاعات و دانش

مقصود از آثار جانبی مثبت تولید، منافع و مزایای جانبی است که از رهگذر تولید دانش و اطلاعات نصیب اشخاص ثالث می‌شود (منکیو، ۱۳۸۷: ۲۴۰). به عنوان مثال زمانی که یک شرکت داروسازی موفق به اختراع دارویی جدید می‌شود؛ علاوه بر شرکت سازنده، جامعه بیماران نیازمند آن دارو و سایر تولید کنندگان دارو نیز از اختراع جدید صورت گرفته منتفع می‌شوند (Sloman, 2006:301-2). در این شرایط با در نظر گرفتن منافع جانبی که عاید سایر افراد می‌شود، هزینه نهایی اجتماعی تولید کمتر از هزینه نهایی خصوصی تولید آن است. از آنجا که تولید کننده همواره به منافع و هزینه‌های شخصی خود می‌اندیشد؛ میزان تولید خود را تا سطح برابری هزینه نهایی خصوصی با قیمت تعیین می‌کند. این در حالی است که مقدار بهینه تولید از نظر اجتماعی، باید به میزانی تعیین شود که هزینه نهایی اجتماعی با قیمت برابر شود. از آنجا که در این شرایط بخش خصوصی بیشتر از هزینه نهایی اجتماعی است؛ مقداری که در عمل بوسیله بخش خصوصی تولید می‌شود کمتر از مقداری است که از نظر اجتماعی کارا و بهینه است و کارایی خصوصی تولید لزوماً کارایی اجتماعی تولید را به دنبال ندارد (Gruber, 2005:127). همچنین وجود منافع جانبی تولید در کنار ویژگی استثنای پذیری اطلاعات موجب تشویق هر چه بیشتر سوارکاران مجانی به بهره‌گیری از حاصل زحمات و تلاش دیگران و در نتیجه تشدید مشکل انگیزه و مشکل قابلیت اختصاص می‌شود.

چهار: تناقض اطلاعات ارو

مبادله اطلاعات و ایده‌ها در بازار به علت آنچه به نام "تناقض اطلاعات ارو" مشهور شده است، کاری بس سخت و دشوار است. طبق یک قاعده مسلم در خرید و فروش، تقاضای خرید هر چیزی منوط به شناخت کمیت و کیفیت موضوع آن است. در اینجا نیز خریداران احتمالی تا زمانی که از ماهیت اطلاعات مطلع نشوند تمایلی به امضای قرارداد خرید و متعهد کردن خود ندارند. آگاهی خریدار از کم و کیف اطلاعات منوط به افشاء اطلاعات است؛ اما زمانی که خریدار از محتوای اطلاعات مطلع شد، بدون آنکه هزینه‌ای بابت آن پرداخت کرده

باشد، به اطلاعات دسترسی پیدا کرده است. از آنجا که به علت استثناپذیری اطلاعات، هیچ تضمینی برای منع طرف مقابل از استفاده و بهره برداری بدون مجوز از اطلاعات افشاء شده وجود ندارد، تمایل تولید کنندگان و عرضه کنندگان نیز به افشاء اطلاعات کاهش پیدا می کند (Arrow, 1962:144,152).

ب. حل ناکارایی پویا

برای حل ناکارایی پویا اقتصاددانان راهکارهای متعدد پیشنهاد کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به پیش بینی حقی انحصاری به نفع خالقان و پدید آوردندگان ایده های ابتکاری اشاره کرد. به علت شناسایی این حق، دانش و اطلاعات که به حکم طبیعت و ذات خود، استثنا پذیر است به فرمان قانون در حکم کالاهای استثناپذیر شناخته می‌شود (Sag, 2006:8). در نتیجه این تغییر ماهیت، مشکل قابلیت اختصاص و یا مشکل سواری مجانی برطرف می‌شود. علاوه بر این از آنجا که با اعطای حق مزبور، دارنده حق تبدیل به عرضه کننده منحصر به فرد آن محصول در بازار می‌شود می‌تواند با بهره گرفتن از قدرت انحصاری خود، قیمت محصولات را بالاتر از هزینه نهایی تمام شده محصول تعیین کند و به این ترتیب بر مشکل قیمت گذاری نهایی نیز فائق آید.

ج. اختلال در کارایی ایستا

ایجاد حق انحصاری به نفع تولید کنندگان دانش و اطلاعات نوین، برغم ایجاد انگیزه در تولید کنندگان حال و آینده، شائبه ایجاد قدرتی انحصاری به نفع دارنده حق را در ذهن ایجاد می‌کند که از بین برنده کارایی ایستا است و خود یکی دیگر از علل شکست بازار به شمار می‌رود. در شرایط انحصار که به علت قدرت قیمت گذاری انحصار گر، قیمت کالاها و خدمات بالاتر از قیمت بهینه اجتماعی (قیمت گذاری نهایی) تعیین می‌شود، میزان اضافه رفاه مصرف کنندگان (Consumer Surplus) نیز کم تر از میزانی است که در صورت قیمت گذاری نهایی به دست می‌آید. اضافه رفاه مصرف کننده عبارت است از تفاوت میان ارزش واقعی کالا برای مصرف کننده با مبلغی که وی عملاً پرداخت می‌کند (Duffy, 1993:92). وجود اضافه رفاه مصرف کننده دلیل اصلی حضور خریداران در بازار و خرید کالاهای مختلف است؛ چرا که اگر این مابه التفاوت در مطلوبیت وجود نداشت افراد به دلیل از دست دادن پول خود که آن هم دارای ارزش و مطلوبیت است هرگز حاضر به ورود در بازار و خرید کالاها نمی‌شدند. با در نظر گرفتن مفهوم مطلوبیت نهایی و اضافه رفاه مصرف کننده، خریداران تا زمانی که

مطلوبیت و رضایت خاطر آنها از مصرف کالاها و خدمات، بیشتر از قیمتی باشد که باید پرداخت کنند، به خرید خود ادامه می‌دهند.

در شرایط انحصار که بنگاه، قیمت را بالاتر از قیمت بهینه و کارآمد اجتماعی تعیین می‌کند، چنانچه مطلوبیتی که خریدار از مصرف کالا به دست می‌آورد، پایین تر از قیمت انحصاری بازار باشد، از خرید و مصرف کالا منصرف می‌شود و در نتیجه از جرگه خریداران و مصرف کنندگان آن کالای خاص خارج می‌شود. خروج این دسته از مصرف کنندگان در شرایطی که مطلوبیت آنان از مصرف کالا معادل و یا بیشتر از قیمت کارآمد (معادل هزینه نهایی) بوده است در نهایت به زیان جامعه است. چرا که در صورت تعیین قیمت بر اساس هزینه نهایی، این دسته از مصرف کنندگان نیز قادر به خرید و مصرف کالا و کسب اضافه رفاه بودند و حال آنکه در قیمت انحصاری بازار، این قشر از مصرف کنندگان که مطلوبیت بیشتری به نسبت قیمت کارآمد ولی کمتر از قیمت جاری به دست می‌آورند از جرگه مصرف کنندگان خارج می‌شوند (Elhaug, 2003: 253, 296). مصرف کنندگانی نیز که باقی می‌مانند، اضافه رفاه کمتر در قیاس با اضافه رفاهی کسب خواهند کرد که در صورت قیمت گذاری نهایی در بازار به دست می‌آوردند. اضافه رفاه از دست رفته مصرف کنندگان که در اصطلاح علم اقتصاد با نام اضافه رفاه گمشده (Deadweight Loss) شناخته می‌شود عامل دیگری برای شکست و نارسایی بازار به شمار می‌رود.

علاوه بر این، اعطای حق استثناکردن سایرین به به تولید کنندگان دانش نیز به طرق مختلفی شائبه ایجاد انحصار در بازار را ایجاد می‌کند. اول آن که شناسایی حق مزبور مانعی حقوقی و قانونی برای ورود سایر تولید کنندگان بالقوه به بازار است. ثانیاً، دارنده این حق می‌تواند مانند یک انحصارگر اقتصادی، قیمت محصول خود را بالاتر از هزینه نهایی کالا تعیین کند. به این ترتیب، مانند سایر انحصارگران، قیمت گذار محصول باشد. از همین رو اعطای حق مزبور، کم یا بیش قدرتی انحصاری به دارنده آن اعطا می‌کند.

د. تعادل میان کارایی پویا و ایستا

در جدال میان کارایی پویا و کارایی ایستا سرانجام برتری به کارایی پویا داده شده است و اقتصاددانان پیش بینی حقی انحصاری به نفع خالق اثر را تأیید کرده‌اند. به عقیده آنان، شناسایی حق انحصاری ولو آنکه در عمل موجب انحصار شود؛ به دلیل این که مانع عدم ابداع و یا به تعویق افتادن ابداع و نوآوری می‌شود، مصرف کنندگان را در شرایط بهتری قرار می‌دهد (Arrow, 1962: 251; Dam, 1994: 619-20) با وجود این، کارایی ایستا به هنگام آرایش قواعد و قوانین مربوط به حق مزبور، مدنظر قرار می‌گیرد (Scherer, 1980: 450-51; Lemley, 1998).

7-996:1997). تلاش برای ایجاد تعادل میان کارایی پویا و کارایی ایستا در چیدمان نظام حقوق مالکیت فکری، گه گاه با عنوان تعادل انگیزه- دسترسی (Incentive-Access Trade-Off) نیز شناخته می‌شود.^۱ در زیر به نمونه‌هایی از این تلاش اشاره می‌کنیم که به وضع قواعد منحصر به فرد در خصوص مدت حمایت و گستره حمایت در حوزه حقوق مالکیت فکری منجر شده است.

۱- محدودیت مدت حمایت

نوردهاوس نخستین اقتصاددانی بود که نشان داد چگونه تعیین مدت بهینه حمایت می‌تواند میان انگیزه ابداع و هزینه رفاه گمشده ناشی از انحصار تعادل و توازن ایجاد کند (Nordhaus, 1969:86-90). به عقیده او در موارد زیر باید عمر بهینه حمایت طولانی‌تر در نظر گرفته شود: جایی که کشش قیمتی تقاضا^۲ نسبت به کالاهای اساسی پایین‌تر است (Ibid:79). جایی که منافع اجتماعی ابداع به نسبت هزینه تحقیق و توسعه کمتر است و یا جایی که میزان ابداعات نسبت به هزینه تحقیق و توسعه حساس‌تر است (Menell:133). در مقابل در صنایعی که اختراعات به صورت تصاعدی و یا به سهولت انجام می‌شوند، مدت عمر حق اختراع باید کوتاه‌تر در نظر گرفته شود (Nordhaus, 1969:79).

مطالعات بعدی، الگوی نوردهاوس را بسط و گسترش دادند. به عنوان مثال به عقیده برخی اقتصاددانان، مدت بهینه حمایت باید در موارد زیر طولانی‌تر در نظر گرفته شود: در جایی که اجرای حق، هزینه بردار و یا ناقص است (Scherer, 1984; 1972: 422-7). همچنین در جایی که امکان اخذ مجوز اجباری با نرخ پایین امکان‌پذیر است (Tandon, 1982:470-86). در مقابل در شرایط زیر باید مدت بهینه حمایت کوتاه‌تر در نظر گرفته شود: در جایی که رقابت و چشم هم‌چشمی میان بنگاهها، موجب بالا رفتن هزینه ابداع و نوآوری می‌شود (Mc Fetridge & Rafiquzzaman, 1986: 91-129). همچنین در جایی که احتمال ائتلاف منابع از سوی رقبای احتمالی که قصد انجام ابداع و یا اختراع مشابه را دارند، زیاد است (Gallini, 1992:52-63; Chou, 1996:304.12).

به دلیل مشکلاتی که تعیین مدت زمان‌های متفاوت در عمل به دنبال داشت؛ برخی اقتصاددانان کوشیدند با ارائه الگوهای اقتصادی مختلف به مدت زمان واحد دست یابند که

۱. این استدلال در خصوص علائم تجاری که هدف از آن شناسایی منبع تولید کالا و خدمات به مصرف‌کننده است کاربرد ندارد.

۲. کشش قیمتی تقاضا معرف نسبت میزان تغییر تقاضای یک کالا به ازای تغییر در قیمت آن کالا است. (منکیو، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶).

نسبت به انواع اختراعات و یا حقوق ادبی و هنری کارا و بهینه باشد. طبق این الگوها، زمانی که منفعت نهایی اجتماعی در زمانی مشخص با هزینه نهایی اجتماعی در همان زمان برابر شود، آن زمان، مدت بهینه حق مالکیت فکری به شمار می‌رود. ارائه این الگوها مستلزم محاسبه هزینه های نهایی اجتماعی و منافع نهایی اجتماعی است که محاسبه هزینه ها و منافع نیز بر مبنای متغیرها و فروض مختلف صورت می‌گیرد (Christie & Rotstein, 2007:3). از آنجا که هر یک از این الگوهای اقتصادی بر مبنای متغیرها و فروض مختلف قرار گرفته‌اند که علاوه بر تردید در تأثیر هر یک از این متغیرها، نحوه محاسبه و به دست آوردن رقم دقیق آنها نیز مورد تردید سایرین قرار گرفته است. برخی اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که در عمل نمی‌توان دقیقاً زمانی کاملاً مشخص را به عنوان زمان بهینه حق مالکیت فکری در نظر گرفت؛ بلکه در نهایت می‌توان محدوده طول مدت زمان بهینه حق مالکیت فکری را مشخص کرد. به عبارت دیگر، الگوهای ارائه شده از سوی اقتصاددانان، تنها چارچوب نظری نحوه محاسبه و تعیین مدت زمان بهینه حق مالکیت فکری را در اختیار می‌گذارند؛ ولی در عمل امکان پیاده کردن این چارچوب نظری به طور دقیق و بدون خطا امکان پذیر نیست (Christie & Rotstein, 2007:4). به همین دلیل، امروزه معمولاً قانونگذاران، محدوده زمانی واحد را برای حمایت از ابداعات یک صنف اعم از فنی و یا ادبی و هنری در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال در کشور ما محدوده زمان حمایت از یک سال تا ۲۰ سال بنا به انتخاب دارنده گواهی حق اختراع در نظر گرفته شده است (ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ مجلس شورای اسلامی).

به منظور بررسی کارایی مدت های اعلامی از بعد کارایی پویا و همچنین کارایی ایستا، مطالعات آماری و تجربی مختلف انجام شده است. از آنجا که دلیل زیربنایی ایجاد حق مالکیت فکری، ملاحظات کارایی پویا و ایجاد انگیزه در مخترعان از طریق اعطای حق انحصاری به آنان است؛ می‌توان با انجام مطالعات آماری مشخص کرد که در عمل حق انحصاری مزبور تا چه اندازه مورد استفاده دارندگان این حق قرار گرفته است. نتایج به دست آمده می‌تواند کارایی مدت زمان حمایت قانونی از دید مبدعان و مخترعان و از بعد ملاحظات مربوط به کارایی پویا را تأیید و یا رد کند. از آنجا که در زمان حاکمیت قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری مصوب ۱۳۱۰، گواهی حق اختراع از همان ابتدا به ازای پرداخت مبلغی ناچیز به طور خودکار برای تمام مدت ۲۰ سال تمدید می‌شد؛ انجام چنین مطالعه آماری در کشورمان که تنها نزدیک به ۵ سال از زمان تصویب قانون جدید می‌گذرد عملاً امکان پذیر نبود. اما مطالعات آماری که در کشورهای دیگر انجام شده است نشان می‌دهد در اکثر کشورهای دنیا ۵۰ درصد حق اختراعاتی اعطایی تا ۸ سال بعد از اعطای حق اختراع تمدید شده‌اند و تنها ۱۵ درصد

اختراعات تا پایان دوره حمایت تمدید شده‌اند (Christie & Rotstein, 2007:10). به همین دلیل، طول عمر مفید و اقتصادی حق اختراع در کشورهای مختلف از جمله ژاپن تحت عنوان مدت زمان استهلاک (Amortization) حق اختراع ۸ سال در نظر گرفته شده است. از این مطالعه آماری می‌توان نتیجه گرفت که محدوده زمانی تعیین شده بوسیله قانونگذار از دید اکثریت مخترعان و مبدعان مدت زمان کارایی است که در عمل نیاز آنان را به ایجاد انگیزه تأمین می‌کند.

از بعد کارایی ایستا نیز می‌توان میزان استفاده و مقبولیت اختراعات در میان مردم را به عنوان ابزاری برای سنجش کارایی محدوده زمانی حمایت از اختراعات در نظر گرفت. با وجود این، از آنجا که در حال حاضر منبعی وجود ندارد که داده‌هایی جامع در خصوص میزان مطلوبیت اختراعات و ابداعات در میان مردم در اختیار بگذارد؛ به نظر می‌رسد امکان عملی انجام چنین مطالعه‌ای در حوزه اختراعات میسر نباشد. در خصوص حق مؤلف، اقتصاددانان بنا به دلایل مختلف معتقدند؛ سیاست قانونگذاران باید برخلاف آنچه که در عمل در حال جریان است در جهت کاهش مدت زمان حمایت باشد. از نظر اقتصادی، افراد ثروتمند بر خلاف افراد فقیر و نیازمند، مطلوبیت نهایی رو به کاهشی (Diminishing Marginal Utility) نسبت به پول دارند؛ یعنی مطلوبیت و رضایت خاطری که فردی نیازمند از خرج کردن واحد پول کسب می‌کند بیشتر از رضایت خاطر شخصی ثروتمند و متمول از خرج کردن همان واحد پول است. با افزایش مدت زمان حمایت که به افزایش توان مالی اکثر هنرمندان و نویسندگان می‌شود، مطلوبیت نهایی آنان نسبت به پول رو به کاهش می‌گذارد. به همین دلیل، افزایش مدت زمان حمایت، اثر مثبت رو به کاهشی را بر انگیزه خلق و ابداع دارد.

دلیل دیگر اینکه مبدعان عواید و درآمد اقتصادی را که در آینده از رهگذر خلق اثر خود کسب خواهند کرد؛ به نرخ روز محاسبه می‌کنند. به عبارت دیگر، ارزش کنونی (Present Value) آن را بر آورد می‌کنند. هر چقدر فاصله رسیدن تا این عواید بیشتر باشد، ارزش کنونی درآمد آینده نیز کمتر می‌شود. در نتیجه بیشتر شدن مدت حمایت تأثیر نهایی کمتر بر ایجاد انگیزه دارد. همچنین افزایش مدت حمایت، باعث افزایش هزینه ردیابی (Tracing) و هزینه معاملاتی آثار قانونی مورد حمایت می‌شود. هر اندازه آثار مورد حمایت قدیمی تر باشند هزینه ردیابی یعنی جستجو و یافتن آثاری که احتمال نقض آنها در صورت ایجاد اثر جدید می‌رود نیز بیشتر می‌شود. علاوه بر این، در صورت طولانی بودن دوره حمایت، خالق اثری جدید مجبور است برای بهره گرفتن از آثاری دیگر که قصد استفاده از آنها را در خلق اثر خود دارد؛ هزینه اخذ مجوز از این آثار را نیز بپردازد. هر چه زمان حمایت طولانی تر باشد، آثار استفاده شده مورد حمایت قانون نیز بیشتر می‌شوند؛ در نتیجه هزینه اخذ مجوز نیز رو به

افزایش می‌رود (Atladdottir, 2012:6). بنا به این دلایل، اقتصاددانان اغلب با افزایش مدت زمان حمایت از آثار ادبی و هنری که در بیشتر کشورها روی داده است مخالفت کرده‌اند.^۱ علاوه بر این، برای تأیید استدلال‌های نظری، مطالعات تجربی نیز مشابه آنچه در خصوص حق اختراع انجام شده است؛ در مورد حق ادبی و هنری نیز صورت گرفته است. مجدداً انجام این مطالعه آماری در کشورمان به دلیل اینکه حمایت از آثار ادبی و هنری مستلزم ثبت و یا تمدید حق اعطایی نیست؛ عملاً امکانپذیر نبود. اما در بررسی آماری که از نرخ ثبت و تمدید حق ادبی و هنری که طی ۹۰ سال در ایالات متحده امریکا صورت گرفته است؛ این نتیجه به دست آمد که طول عمر مفید اقتصادی حق ادبی و هنری و زمان استهلاک آن ۱۵ سال است.

یکی از اقتصاددانان نیز اخیراً با ارائه الگو اقتصادی مدت زمان مشابه یعنی ۱۵ سال را توصیه کرده است که حداکثر تا ۳۸ سال قابل تمدید است. در این الگو اقتصادی طول عمر بهینه حق ادبی هنری تابعی از نرخ تنزیل (Discount Rate)، نرخ افول فرهنگی اثر (Cultural Decay) تابع عرضه آثار ابداعی و رفاه (و اضافه رفاه گمشده) معرفی شده است. اقتصاددان مزبور، نرخ هر یک از این متغیرها را بر اساس مطالعات آماری و تجربی به دست آورده است که به گفته وی دلیلی بر قابل اعتماد بودن نتیجه به دست آمده است (Pollock, 2009). علاوه بر این، دلیلی دیگر که قابل اعتماد بودن نتیجه حاصله را تأیید می‌کند؛ این است که در این الگو اقتصادی برای تعیین مدت بهینه حق ادبی و هنری به ملاحظات مربوط به کارایی ایستا نیز توجه شده و با گنجاندن عامل نرخ افول فرهنگی، میزان مقبولیت و پذیرش اثر ادبی و هنری در میان مصرف‌کنندگان نیز وارد محاسبات شده است. اقتصاددان مزبور با استفاده از اطلاعات فروش کتاب در هفتاد کشور جهان که از پایگاه داده کتاب نیلسون^۱ به دست آورده بود. همچنین اطلاعات مربوط به صنعت موسیقی و ضبط در انگلستان که از نشریه گوارز در خصوص مالکیت فکری به دست آورده بود؛ نرخ افول فرهنگی را بین ۲ تا ۹٪ پیشنهاد کرده و به طور پیش فرض ۵٪ را توصیه کرده است.

با وجود این، در عمل به دلیل اعمال نفوذهایی که از سوی تولیدکنندگان آثار ادبی و هنری صورت می‌گیرد؛ طول مدت حمایت از آثار ادبی و هنری رو به افزایش است. به عنوان مثال در کشور ما طبق قانون اصلاح ماده (۱۲) قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۸۹، مدت حمایت از آثار ادبی و هنری از سی سال به پنجاه سال پس از مرگ پدید

۱. از جمله می‌توان به مخالفت هفده اقتصاددان مشهور امریکایی که در بین آنها پنج برنده جایزه نوبل نیز حضور داشتند به وضع قانون تمدید حق ادبی و هنری (Copyright Term Extension Act) مصوب ۱۹۹۸ در امریکا اشاره کرد که طی آن مدت زمان حمایت از آثار ادبی و هنری از ۵۰ سال به ۷۵ سال افزایش پیدا کرد. (Png & Waang, 2006, p. 2)

آورنده اثر افزایش پیدا کرده است. در کشور مکزیک نیز با تصویب قانونی جدید که از سال ۲۰۰۳ لازم الاجرا شده مدت حمایت از آثار ادبی و هنری به ۱۰۰ سال بعد از حیات پدید آورنده افزایش یافته است ([http://www.ladas.com/BULLETINS/2004/0304Bulletin/Mexico_\(CopyrightLaw.html](http://www.ladas.com/BULLETINS/2004/0304Bulletin/Mexico_(CopyrightLaw.html))).

در اکثر کشورهای اروپایی از جمله ترکیه و همچنین ایالت متحده امریکا، این زمان ۷۰ سال بعد از مرگ پدید آورنده در نظر گرفته شده است (Png & Wang, 2006:7). به اعتقاد اقتصاددانان این رویه توجیه اقتصادی ندارد و تنها دلیل آن اعمال نفوذ صاحبان آثار در مجامع قانونگذاری است که از بعد نظری در قالب نظریه انتخاب عمومی (Public Choice) توجیه و تفسیر می‌شود (Watt, 2009:65).

۲- محدودیت گستره حمایت

گستره حمایت هم به موضوعات مورد حمایت و هم به وسعت و پهنای حق اعطاء شده اشاره دارد (Blair & Cotter, 2005:21). با در نظر گرفتن ملاحظات کارایی ایستا و فراهم آوردن زمینه استفاده هر چه گسترده تر از اطلاعات و دانش های نوین، برخی موضوعات بسته به درجه اهمیت این اطلاعات از دایره حمایت قانون خارج شده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به کشفیات، نظریه‌های علمی و روش های ریاضی اشاره کرد که ابزار کار دانشمندان را تشکیل می‌دهند. همچنین طرحها، قواعد یا روشهای انجام کار تجاری نیز به دلیل اینکه فعالیتهای ذهنی و اجتماعی هستند و نمی‌توان مردم را از فکر کردن به آنها بازداشت از دایره حمایت قانون خارج شده‌اند. علاوه بر این روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان نیز به لحاظ ارتباط آن با مسأله مرگ و زندگی انسانها از دایره حمایت خارج شده‌اند (صاحب، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۶۹).

علاوه بر ایجاد محدودیت در موضوعات مورد حمایت، پیش بینی معیارهای ثبت اختراع از قبیل جدید بودن، ابتکاری بودن و دارای کاربرد صنعتی بودن (ماده ۲ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶) نیز از دیگر راهکارهای ایجاد تعادل میان کارایی ایستا و پویا است که از طریق آن قانونگذار سعی داشته است تنها اختراعات با ارزش را مورد حمایت قانونی قرار دهد. سایر قواعد محدود کننده حق ثبت اختراع نظیر آنچه در بند ج ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات در خصوص محدودیت های حقوق ناشی از گواهینامه اختراع و یا ماده ۱۷ همان قانون در ارتباط با مجوز اجباری پیش بینی شده است نیز با در نظر گرفتن ملاحظات کارایی ایستا و دسترسی گسترده مصرف کنندگان به نتایج ابداعات و اختراعات جدید وضع شده‌اند.

در حوزه حق ادبی و هنری نیز ایده‌ها تنها زمانی که در قالب یک شکل مادی مجسم شوند، مورد حمایت قانون قرار می‌گیرند (کلمبه، ۱۳۸۵: ۹-۲۸ و ۵-۴۴). علاوه بر این، اصیل و ابتکاری بودن اثر نیز معیار اصلی حمایت از شکل ایده است. همچنین در برخی موارد مصرح قانونی، استفاده از آثار ادبی و هنری مستلزم اخذ اجازه از دارنده حق نیست و سایر افراد می‌توانند در چارچوب موازین و شرایط مندرج در قانون به استفاده از اثر مورد حمایت مبادرت کنند. از جمله می‌توان به تکثیر به منظور استفاده شخصی و غیر انتفاعی (موضوع ماده ۱۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان) و تکثیر به منظور استفاده عموم (موضوع مواد ۷ و ۸ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در خصوص جواز نقل قول از آثار مورد حمایت قانون و جواز نسخه برداری کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی غیر انتفاعی) اشاره کرد.^۱

در خصوص دامنه محصولات و کالاهای موضوع حق نیز اقتصاددانان به دلایل اقتصادی ثابت کرده‌اند؛ زمانی که در نتیجه گسترده بودن دامنه کالاهای موضوع حق، مصرف کنندگان مجبور به مصرف کالاهای جایگزین از طبقه دیگری شوند، باید گستره حق، محدود در نظر گرفته شود؛ در مقابل مدت زمان حمایت نامحدود تعیین شود (Gilbert&Crl, 1990:106-12). در مقابل چنانچه در نتیجه گسترده بودن دامنه کالاهای مشمول حق، مصرف کنندگان مجبور به مصرف کالاهای جایگزین از همان طبقه شوند؛ نظام حمایتی باید مدت زمان حمایت را کوتاه تر ولی گستره کالاهای موضوع حمایت را وسیع تر در نظر گیرد (Klemperer, 1990:113-30).

برغم توصیه‌های اقتصادی صورت گرفته، در عمل ادارات ثبت اختراع، توجهی به دامنه کالاهای موضوع حق ندارند و حتی در کشورهای پیشرفته به صرف تطبیق شرایط شکلی و ماهوی ثبت اختراع و مشخص بودن ادعاهای متقاضی، به صدور گواهی حق اختراع به نفع متقاضی ثبت مبادرت می‌کنند. ولی در رویه قضایی کشورهای کامن لائو، دادگاهها تا حدودی با توجه به اهمیت دامنه کالاهای موضوع حق در ایجاد توازن میان انگیزه و دسترسی، استفاده از این ابزار سیاستگزاری را به ویژه در مقام اعمال دکترین معادل بودن (Equivalent Doctrine) مد نظر قرار می‌دهند و به عنوان مثال دامنه دامنه کالاهای موضوع اختراعات کم اهمیت را کمتر از دامنه کالاهای موضوع اختراعات پیشرو و الهام بخش تعیین می‌کنند. هر چند هدف اصلی ایجاد انگیزه تولید و ملاحظات کارایی پویا عنوان شده است اما خلق و پیدایش ابداعاتی از این دست که الهام بخش سایر ابداعات هستند در بلند مدت به نفع جامعه مصرف کننده خواهند بود. این در حالی است که منافع مصرف کننده در خصوص اختراعات کم اهمیت تر بر منافع تولید کننده ارجحیت دارد؛ چرا که انگیزه لازم برای پرداختن به این

۱. برای مطالعه موارد استثنا وسیع تر در قوانین کشورهای مختلف از جمله فرانسه رک: (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۰۹).

ابداعات ولو با دایره حمایت کوچک تر نیز همچنان تأمین می‌شود. در حوزه حقوق ادبی و هنری توجه به نقش دامنه کالاهای موضوع حق حتی در سطح رویه قضایی نیز مغفول واقع شده است (Menell & Scotchmer, 2007: 1491).

این در حالی است که در حوزه حقوق ادبی و هنری نیز می‌توان با مبنا قرار دادن هزینه‌های تولید و اهمیت اثر، زمانی که هزینه‌های تولید بالا بوده و یا اثر دارای اهمیت زیادی است، دامنه کالاهای موضوع حمایت حق را به منظور ایجاد انگیزه بیشتر برای تولید کنندگان گسترده تر در نظر گرفت. در مقابل چنانچه هزینه‌های تولید پایین بوده و یا اثر دارای اهمیت بالا نباشد، دامنه کالاهای موضوع حق را مضیق تر پیش بینی کرد.

نتیجه

لزوم حمایت همزمان از تولید کنندگان و مصرف کنندگان در صنعت تولید اطلاعات و دانش و ایجاد تعادل و توازن میان انگیزه- دسترسی، اصل راهنمای قانونگذاری در نهاد حقوقی مالکیت فکری به شمار می‌رود که تأسیس و برقراری یک نهاد قانونی ویژه با استلزامات و قواعد محدود کننده خاص و منحصر به فرد را موجب شده است. موقتی بودن زمان حمایت از حق اختراع و حق ادبی و هنری و همچنین محدود بودن گستره حمایت و استثنائات وارد بر این حقوق، همگی در قالب ملاحظات مربوط به کارایی توصیفی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. هر چند اصل ایجاد محدودیت‌ها از بعد اقتصادی پذیرفته شده است؛ اما کارا بودن قواعد خاص حقوقی مرتبط با هر یک از این محدودیت‌ها همچنان موضوع بحث‌های اقتصادی است. بیشترین چالش و اختلاف نظرها مربوط به طول مدت زمان حمایت می‌شود. در خصوص حق اختراع، هر چند بنا به استدلال‌های اقتصادی و مطالعات تجربی، تعیین محدوده زمانی ۲۰ ساله برای حمایت از اختراعات از جهت مطابقت با استلزامات کارایی توصیفی تأیید شده است اما در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، بنا به دلایل نظری مختلف و همچنین بر پایه شواهد و داده‌های آماری متفاوت، کاهش مدت زمان حمایت توصیه شده است. این در حالی است که رویه جهانی بر خلاف این استدلال در حال حرکت است و در کشورهای مختلف از جمله کشور خودمان شاهد افزایش طول مدت زمان حمایت از دارندگان حقوق ادبی و هنری هستیم. از گستره حق نیز می‌توان با در نظر گرفتن اهمیت آثار و هزینه‌های تولید آن، دامنه کالاهای موضوع حق را گسترده و یا مضیق در نظر گرفت.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. صاحب، طیبه. (۱۳۸۲)، " بررسی تطبیقی نظام حق اختراع در حقوق داخلی و معاهدات بین المللی." پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
۲. کلمبه، کلود. (۱۳۸۵)، " اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان." ترجمه و توضیح: علی رضا محمدزاده وادقانی، تهران: میزان.
۳. منکیو، کریگوری، (۱۳۸۷): " مبانی علم اقتصاد"، ترجمه حمید رضا ارباب، نشر نی، چاپ اول.

ب - خارجی

- 1-Arrow. Kenneth .J. 1962," **Economic Welfare and the Allocation of Resources for Invention.**" in Richard Nelson (ed.). The Rate and Direction of Inventive Activity, Princeton. NJ: Princeton University Press, www.rand.org/pubs/papers/2006/P1856.pdf, last visited : July 2012.
- 2-Atladdottir, Kristin Amalia. 2012, " **Does one-size-fits-all fit anyone? Allocative inefficiency in copyright for creators**". Paper to be presented at the DRUID 2012 on June 19 to June 21 at CBS, Copenhagen, Denmark, available at: druid8.sit.aau.dk/acc_papers/99vh1fimbkxuutqhrad35ubapq0d.pdf, last visited : July 2012.
- 3-Blair, Roger D. and Thomas F. Cotter. 2005,"**Intellectual Property, Economic and Legal Dimensions of Rights and Remedies**". Cambridge University Press USA,NY.
- 4-Chou, Chien-fu and Shy, O. 1998,"**The Crowding-Out Effects of Long Duration of Patents**". 24 Rand Journal of Economics.
- 5-Christie, A. F. and Rotstein F. 2007," **Duration of patent protection: Does one size fit all?**" University of Melbourne Legal Studies Research Paper No. 245; Intellectual Property Research Institute of Australia Working Paper No. 04.07. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1012214>, last visited : July 2012.
- 6-Cowen, Tyler &Eric Crampton. 2004,"**Introduction to Market Failure or Success: The New Debate**". Edward Elgar and The Independent Institute, Available at: http://www.econ.canterbury.ac.nz/personal_pages/eric_crampton/BookIntro.pdf, last visited: July 2012.
- 7-Dam, Kenneth W. 1994," **The Economic Underpinnings of Patent Law.**" The Journal of Legal Studies, Vol. 23, No. 1 , Available at : <http://www.jstor.org/pss/724309>, last visited: July 2012.
- 8-Dixon, Pdraig & Greenhalgh,Christine. 2002," **The Economics of Intellectual Property: A Review to Identify Themes for Future Research.**" Oxford Intellectual Property Research Center.
- 9-Duffy, John. 1993," **Economics.**" Wiley Publishing, Inc, New York: NY.
- 10-Elhauge, Einer. 2003," **Defining Better Monopolization Standards.**" 56, Stanford Law Review.
- 11-Gallini, Nancy. 1992,"**Patent Policy and Costly Imitation.**" 23 Rand Journal of Economics.
- 12-Gilbert, Richard J. and Shapiro, Carl. 1990,"**Optimal Patent Protection and Breadth.**" 21 Rand Journal of Economics..
- 13-Gruber, Jonathan. 2005," **Externalities: Problems and Solutions.**" in Public Finance and Public Policy, Worth Publication, Available at:
- 14-www.worthpublishers.com/gruber2epreview/pdfs/120-149_GruPubFin_ CH05.pdf, last visited : July 2012.
- 15-Klemperer, Paul. 1990,"**How Broad Should the Scope of Patent Protection Be?**", 21 Rand Journal of Economics.
- 16-Lemley, Mark A. 2005," **Property, Intellectual Property, and Free Riding.**" Texas Law Review.

- 17-Lemley, Mark A. 1997, "**The Economics of Improvement in Intellectual Property Law.**" 75 Texas Law Review.
- 18-Litman, Jessica. 1990, "**The Public Domain.**" 39, Emory Law Journal .
- 19-McFetridge, Donald G. and Rafiqzaman, M. 1986, "**The Scope and Duration of the Patent Right and the Nature of Research Rivalry.**" 8 Research in Law and Economics.
- 20-Menell, Peter S. 2012, "**Intellectual Property: General Theories.**" Encyclopedia of law and economics , 1600 Available at: www.users.ugent.be/~gdegeest/1600book.pdf, last visited : July 2012.
- 21-Menell ,Peter S. and Suzanne Scotchmer. 2007, "**Intellectual Property Law.**" in Handbooks in Economics 27, Handbook of Law and Economics , Volume 2, Chapter 19, North-Holland , Elsevier.
- 22-Nari, Lee. 2007, "**Toward a Pluralistic Theory on an Efficacious Patent Institution.**" 6 J. Marshall Review Intellectual Property Law. 224 ,Available at: <http://repositories.cdlib.org/bclt/lts/35>, last visited : July 2012.
- 23-Nordhaus, William. 1969, "**Invention, Growth and Welfare: A Theoretical Treatment of Technological Change**".
- 24-Png, I.P.L., and Qiu-hong Wang. 2006, "**Copyright Duration and the Supply of Creative Work**". Department of Information Systems, National University of Singapore, Available at: www.dklevine.com/archive/png-duration.pdf, last visited : July 2012.
- 25-Pollock, Rufus. 2009, "**Forever Minus a Day? Calculating Optimal Copyright Term.**" Review of Economic Research on Copyright Issues, Vol. 6, No. 1. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1436186>, last visited : July 2012.
- 26-Posner, Richard A. 200, "**Economic Analysis of Law.**" 6th ed.
- 27-Sag, Matthew J. 2006, "**Beyond Abstraction: The Law and Economics of Copyright Scope and Doctrinal Efficiency.**" Tulane Law Review, Vol. 81; Northwestern Law & Econ Research Paper No. 916603.,, Available ,at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=916603>, last visited : July 2012.
- 28-Shavell, Steven. 2004, "**Foundations of Economic Analysis of Law.**" Harvard University Press, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=501002>, last visited : July 2012.
- 29-Scherer, F.M. 1980, "**Industrial Market Structure and Economic Performance.**" 444 ,2d ed .
- 30-Scherer, Frederic M. 1984, "**Innovation and Growth: Schumpeterian Perspectives.**" Cambridge: MA, MIT Press.
- 31-Shubik ,Martin. 1978, "**On Concepts of Efficiency.**" Department of Economics of Organizations, Yale University, New Haven, Policy Science 9 .
- 32-Sloman John. 2006, "**Economics.**" Sixth edition, Pearson Education Limited, England, 2006 .
- 33-Tandon, Pankaj. 1982, "**Optimal Patents with Compulsory Licensing.**" 90 Journal of Political Economy.
- 34-Watt, Richard. 2009, "**An Empirical Analysis of the Economics of Copyright: How Valid are the Results of Studies in Developed Countries for Developing Countries?**", in: *The Economics of Intellectual Property: Suggestions for Further Research in Developing Countries and Countries with Economies in Transition.* Geneva: World Intellectual Property Organization.
- 35-WIPO Publications. 2000, "**Intellectual Property Handbook Policy, Law and Use**" .